



فرهنگ، هویت یک ملت است

در منطق متعالی رهبر شهید، حیات یک جامعه به اصالت و هویت آن گره خورده است. ایشان با قاطعیت می‌فرمایند: «فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است». این هویت، سرمایه اصلی ایستادگی و پیشرفت است، چرا که «هویت ملی با فرهنگ شکل می‌گیرد».

در منطق متعالی رهبر شهید، حیات یک جامعه به اصالت و هویت آن گره خورده است. ایشان با قاطعیت می‌فرمایند: «فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است». این هویت، سرمایه اصلی ایستادگی و پیشرفت است، چرا که «هویت ملی با فرهنگ شکل می‌گیرد».

فرهنگ، هویت یک ملت استنبه گزارش ایکن، در این روزهای تلخ و سنگینی که تقویم تاریخ معاصر ایران زیر بار فقدان جان سوز و شهادت رهبر انقلاب اسلامی با اندوهی عمیق ورق می‌خورد، بغضی تاریخی گلوی جامعه را می‌فشارد. شهادت ایشان، تنها از دست دادن یک رهبر سیاسی یا یک سکان دار اجرایی نبود؛ بلکه فقدان یک حکیم، یک متفکر جامع‌الاطراف و یک نظریه پرداز تمدن ساز بود که هندسه معرفتی و هویتی انقلاب اسلامی را در میانه طوفان سهمگین تهاجمات فکری جهان معاصر پاسداری می‌کرد.

اکنون که دست جامعه از حضور فیزیکی، رهنمودهای مستقیم و کلام گرم این رهبر فرزانه کوتاه شده است، رسالتی بسیار سنگین تر از همیشه بر دوش رسانه احساس می‌شود؛ رسالت بازخوانی دقیق میراث فکری ایشان، تا مبدا این گوهر ناب در غبار گذر زمان دچار تحریف یا فراموشی شود، امروز بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. در همین راستا و با هدف واکاوی و بررسی این منظومه فکری، ایکن در سلسله گزارش‌هایی به بازخوانی اندیشه‌های این رهبر شهید می‌پردازد. آن چه در ادامه می‌خوانید، روایتی تحلیلی و مستند از دیدگاه‌های رهبر شهید درباره نهاد حیاتی و بنیادین «فرهنگ» است؛ روایتی که در آن، جای متن با کلمات، ادبیات اختصاصی و بیانات مستقیم ایشان، هم چون ستارگانی راهنما، چراغانی شده است تا صدای رسای ایشان در متن تاریخ زنده بماند.

فرهنگ، روح کالبد جامعه و بستر تمدن سازی

برای درک عمق نگاه و منظومه فکری این متفکر و رهبر شهید به مقوله فرهنگ، ابتدا باید زاویه دید ایشان به ذات، ماهیت و کارکرد این پدیده شگرف را به درستی واکاوی و بررسی کرد. در دورانی که مکاتب مادی تلاش می‌کنند انسان را در چنبره اقتصاد و سیاست محدود سازند و نیازهای متعالی او را به سطح معادلات سود و زیان مادی تقلیل دهند، ایشان با یک نگاه عمیق هستی شناسانه، تاریخی و تمدنی، نشان دادند که فرهنگ عالی‌ترین بستر برای تعالی حقیقت و ماندگاری اندیشه‌های یک ملت است. در اندیشه ایشان، این پدیده صرفاً یک امر حاشیه‌ای یا یک بخش در کنار سایر بخش‌های جامعه نیست و اساساً یک ضرورت حیاتی و زیربنایی است. ایشان در بیانی قاطع و راهبردی می‌فرمایند: «اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است».

در حقیقت، دقت در تعبیر ایشان در فهم جایگاه فرهنگ در مکتب این متفکر بزرگ کمک شایانی می‌کند. ایشان معتقدند هیچ تحول بنیادین و هیچ توسعه‌ی پایداری بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های فرهنگی ممکن نیست. این یک سنت قطعی در تاریخ تحولات بشری است که بدون جهت‌گیری صحیح فرهنگی، هیچ جامعه‌ای به سرمنزل مقصود نمی‌رسد. بر همین اساس، ایشان جایگاه فرهنگ را نسبت به سایر ارکان جامعه تثبیت کرده و یادآور می‌شوند: «همه چیز مرتبط بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگند» و در جای دیگر برای تکمیل این هندسه فکری می‌افزایند: «مسئله فرهنگ از مسائل اقتصادی مهم‌تر است، از مسائل سیاسی مهم‌تر است». این نگاه راهبردی نشان می‌دهد که برای نظامی که داعیه دار تمدن‌سازی نوین است، اصلاح و ارتقا این حوزه یک اولویت و ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. ایشان در یک کالبدشکافی دقیق و جامع از این مفهوم می‌فرمایند: «فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی، فرهنگ عمومی، اخلاق و رفتار اجتماعی، شامل همه اینهاست؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف و مسئولیت داریم».

فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم

یکی از هنرهای این رهبر شهید در تبیین مسائل بنیادین، قدرت ایشان در ریشه‌یابی و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی برای جامعه است. ایشان با نگاهی عمیق به بطن زندگی بشر می‌فرمایند: «فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام بخش مردم در حرکات و اعمال آنهاست؛ فرهنگ این

است؛ این پس خیلی اهمیت دارد». در این نگاه دقیق، فرهنگ یک امر عاریتی یا تشریفاتی در موزه ها و کتابخانه ها نیست و جاری در متن زندگی است. ایشان با ذکر مصادیقی روشن این مسئله را بسط داده و می فرمایند: «مثلاً در حوزه اجتماعی، قانون گرای که مردم به قانون احترام بگذارند یک فرهنگ است؛ تعاون اجتماعی یک فرهنگ است؛ تشکیل خانواده و ازدواج یک فرهنگ است؛ تعداد فرزندان یک فرهنگ است؛ اگر در این چیزها بینش مردم و جهت گیری مردم جهت گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری خواهد شد؛ اگر خدای ناکرده جهت گیری غلط باشد، زندگی جوری دیگری خواهد شد».

ایشان با هشدار جهانی به سرنوشت جوامع غربی اشاره کرده و نتیجه چنین انحطاطی را تباهی می دانند: «خدای ناکرده به همان بلایی مبتلا خواهیم شد که امروز کشورهای که خانواده را و بنیان خانواده را ویران کردند و شهوات را به راه انداختند به آن سرنوشت دچار شدند».

این رهبر متفکر، در تبیین چیستی فرهنگ، آن را نیروی محرکه اعمال انسان دانسته و می فرماید: «فرهنگ چیه؟ فرهنگ عبارت است از آن درک، برداشت، فهم، معتقد و باور انسان ها و روحیات و خلقیات آنها در زندگی؛ آنهایی است که انسان را به کار وادار می کند. فرهنگ حاکم بر یک کشور مثلاً اگر چنانچه فرهنگ مسئولیت پذیری بود، این عمل مردم را هدایت می کند». نقطه مقابل این امر، رخوت و بی تفاوتی است: «نقطه مقابل، حالت بی مسئولیتی است که انسان نسبت به حوادث، نسبت به فضا، نسبت به آینده، نسبت به دشمن، نسبت به دوست، احساس مسئولیت نکند. مسئولیت پذیری، تزریق مسئولیت پذیری و هدیه کردن او به ارواح مردم، به افکار مردم و روحیات مردم، این تقویت فرهنگ است».

دامنه این مصادیق در اندیشه ایشان بسیار وسیع است: «ایثارگری، وجدان کاری، انضباط، تعاون اجتماعی، سازگاری اجتماعی، پرهیز از اسراف، اصلاح الگوی مصرف، روحیه قناعت، استحکام در آنچه که تولید می کنیم؛ اینها فرهنگ است. اینها را باید در مردم تقویت کرد. درست کاری، زنده نگه داشتن اندیشه های امام و انقلاب، روحیه انسجام و اتحاد اسلامی، آن چیزی که قرآن هم ما را به او امر می کند»؛ با برادران مسلمان، با هم میهنان، حالت اتحاد و انسجام داشتن، تعصب متقابل مثبت نسبت به یکدیگر داشتن»؛ اینها فرهنگ است. یکی از آنها هم البته فرهنگ عفاف و فرهنگ ساده زیستی است». حتی در عرصه های کلان اقتصادی نیز راهکار را در بستر فرهنگ جستجو کرده و می فرماید: «اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، باید فرهنگ مصرف تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد؛ اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این باور مردم بشود؛ این یعنی فرهنگ».

در منطق متعالی ایشان، حیات یک جامعه به اصالت و هویت آن گره خورده است. ایشان با قطعیت می فرمایند: «فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است». این هویت، سرمایه اصلی ایستادگی و پیشرفت است، چراکه «هویت ملی با فرهنگ شکل می گیرد» و بر همین اساس هشدار می دهند که: «هویت هر ملتی، فرهنگ اوست؛ این را ناپیوستی زخمی و جریحه دار کرد».

ایشان با تشبیهی بی نظیر و ماندگار، حیاتی بودن این مقوله را به تصویر کشیده و می فرمایند: «عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم تر است چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد». این هوا اگر مسموم شود، کالبد جامعه از حرکت باز می ایستد، زیرا «فرهنگ، اساس کار ماست. در واقع، فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است». روح است که جهت حرکت را تعیین می کند: «بدون شک، فرهنگ مثل روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهت گیری خاص یا به ضد آن جهت گیری وادار می کند».

ثمره چنین روحی، پیشرفت همه جانبه است. ایشان تأکید دارند که «فرهنگ یک ملت است که می تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند» و «فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است». از سوی دیگر، زوال این روح، مرگ حقیقی یک تمدن را رقم می زند: «اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفت هایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته ای در مجموعه بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند». به همین دلیل است که ایشان می فرمایند: «فرهنگ مایه اصلی هویت ملت هاست».

فرهنگ هویت یک ملت است!

حضور دشمن در پشت پرده فرهنگ و سیاست را جدی بگیرد

این رهبر شهید همواره با نگاهی بصیرت افزا، تحرکات جبهه باطل را رصد می کردند. در منظومه فکری ایشان، تقابل تاریخی حق و

باطل اکنون در میدان فرهنگ تجلی یافته است. ایشان با اشراف کامل به جنگ نرم دشمن هشدار می دهند: «حضور دشمن در پشت پرده فرهنگ و سیاست را جدی بگیرید». دلیل این تمرکز دشمن نیز کاملاً روشن است: «تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم».

دشمن به خوبی دریافته است که تصرف سرزمین ها بدون تصرف قلب ها و ذهن ها دوامی ندارد. ایشان این راهبرد استکبار را چنین افشا می کنند: «اگر نظام سلطه جهانی بر کشوری تسلط فرهنگی پیدا کند، خاطرش آسوده است، همان چیزی که او می خواهد، به طور خودکار و با اندک تلاشی انجام می گیرد». در واقع، اتاق فکرهای استکبار به این نتیجه رسیده اند که «دشمنان می دانند اگر در تلاش های فرهنگی علیه انقلاب موفق و پیروز شوند، بقیه کارها برای آنها آسان خواهد شد؛ لذا روی این متمرکزند».

در برابر این شیخون همه جانبه، ایستادگی و آرایش دفاعی و تهاجمی مناسب ضروری است. ایشان راهبرد مقاومت را چنین تبیین می کنند: «آنچه امروز وظیفه اصلی ماست، این است که در بخش های سه گانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پایه ها را مستحکم کنیم». البته ایشان ارتباط متقابل این حوزه ها را نیز نادیده نگرفته و می افزایند: «مسئله اقتصادی در امنیت و فرهنگ و عزت و برجستگی حرف سیاسی در کشور و در حضور جهانی تأثیرگذار است». اما در نهایت، سنگر اصلی همان باورهای قلبی است: «اگر پایه های فرهنگی بخواهد مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و موارث فرهنگی خودشان روزبه روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود». لذا در این میدان نابرابر، وظیفه متولیان بسیار خطیر است و «در زمینه فرهنگی، باید به تقویت روحیه ایمان توجه شود».

ایجاد فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه جهاد است

با توجه به وسعت و اهمیت این میدان، مسئولیت گریزی در این عرصه معنایی ندارد. رهبر شهید با صراحت تکلیف دستگاه های حاکمیتی را روشن کرده و می فرمایند: «نمی شود مسئولین کشور مسئولیتی احساس نکنند در زمینه هدایت فرهنگی جامعه». ایشان شیوات روشنفکر نمایانه مبنی بر عدم دخالت دولت در فرهنگ و دین مردم را با منطقی محکم پاسخ داده و می گویند: «دولت دینی با دین دولتی هیچ فرقی ندارد. دولت جزو مردم است؛ دین دولتی یعنی دین مردمی؛ همان دینی که مردم دارند، دولت هم همان دین را دارد. دولت، وظیفه برای ترویج بیشتر دین دارد».

برای انجام این وظیفه خطیر، نیازمند تدبیر و ظرافت هستیم. ایشان تأکید دارند که «باید به مسئله فرهنگ نگاه مدیرانه داشت». جنس کار فرهنگی با کار امنیتی و سیاسی متفاوت است. ایشان با آسیب شناسی برخی رویکردهای غلط هشدار می دهند: «با شیوه های سیاسی و شیوه های سیاستگران و سیاستمداران نمی شود در عالم فرهنگ حرکت کرد، این خلاف شأن فرهنگ است». این عرصه نیازمند مجاهدت مخلصانه است، تا جایی که ایشان می فرمایند: «ایجاد فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه جهاد است».

محیط های علمی و دانشگاهی یکی از کانون های اصلی این جهاد مقدس هستند. ایشان پیشرفت علمی منهای اخلاق را مردود دانسته: «در کنار علم؛ فرهنگ، تزکیه، اخلاق و معنویت هم لازم است؛ در این شبهه نکنید». اگر این رویکرد فرهنگی در مراکز علمی حاکم شود، ثمرات شگرفی خواهد داشت: «اگر چنانچه ما به مسئله فرهنگی در دانشگاه توجه کنیم، آن وقت هم دانشجو عاشق و راغب به علم می شود و دنبال علم و تحقیق می رود و هم استاد از حالت ادای تکلیف در کلاس درس خارج می شود».

در نهایت، غایت این مجاهدت عظیم فرهنگی، تثبیت الگویی جدید برای بشریت سرگشته امروز است. این متفکر و رهبر شهید، با نگاهی پرامید به ثمرات انقلاب اسلامی و ظرفیت های ملت ایران، افق نهایی این مسیر را چنین با افتخار ترسیم می کنند: «مسئله این است که ملت ایران با انقلاب خودش، سقف فلک فرهنگ و سیاست را در دنیا شکافته و طرح نویی در انداخته است». راهی که ایشان با بصیرت تمام گشودند و بر ضرورت حفظ آن تأکید ورزیدند، اکنون نقشه راهی است روشن برای استمرار حیات پاک و بالنده جامعه ای که مصمم است در برابر طوفان های تهاجم بیگانگان، هویت، ایمان و ارزش های خود را حفظ کرده و قله های تمدن نوین اسلامی را فتح کند.